خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

نزاع آبی، رنگ سرخ گرفت

صدیقی- رعایت نکردن حقابه از سوی دو کشاورز به کتک کاری و زد و خورد کشیده شد. یکی از شالی کاران زمانی که موقعیت را به نفع خود دید با بیل طمع حقابه همسایه خود را تصرف کرد و همین ماجرا باعث وقوع نزاع و درگیری در بین آن ها شد. شالی کار مصدوم که ضارب را مقصر این اتفاق می دانست درباره چگونگی وقوع این اتفاق گفت: سال هاست که به کشت برنج اقدام می کنیم و کمبود آب یکی از دلایل اصلی درگیری و زد و خورد بین کشاورزان است. وی ادامه داد: روزی طبق معمول که نوبت آبگیری زمین شالی ام بود آب را سر مزرعه رها کردم و برای انجام کاری راهی خانه شدم. زمانی که دوباره سر زمین برگشتم در کمال تعجب دیدم همسایه طمع کار و فرصت طلبم آب را از روی زمین شالی من قطع و روی زمین خود تنظیم کرده است. وقتی این صحنه را دیدم به شدت از دست او عصبانی شدم و به وی اعتراض کردم اما او در کمال تعجب مثل همیشه خود را بی اطلاع نشان داد و گفت که فکر نمی کرده است نوبت آبگیری من باشد. در این لحظه که از حرص و زرنگ بازی همسایه ام به ستوه آمده بودم با او درگیر شدم که با کمک بقیه کشاورزها از یکدیگر جدا شدیم اما متاسفانه در این نزاع با ضربه بیل ضارب مصدوم شدم و کارم به درمانگاه کشید.

حادثه در شهر

راننده دستپاچه شهروندی را چند بار مصدوم کرد

بعد از برخورد یک خودرو با یک دوچرخه سوار، راننده خودرو هول کرد و به جای کشیدن ترمز دستی، خودرو را چند بار در سراشیبی خیابان روی مصدوم رها و فشار مضاعفی را به او وارد کرد.

مصدوم که به شدت از دست ناشی گری راننده شاکی بود گفت: در حاشیه خیابان شهرک امام خمینی (ره) مشغول دوچرخه سواری بودم که ناگهان یک خودرو با من برخورد کرد. بعد از برخورد خودرو با من زیر سپر آن گیر افتادم و راننده زن که به شدت هول کرده بود کمی دنده عقب گرفت و بدون این که ترمز دستی را بکشد از خودرو پیاده شد.

به خاطر شیب خیابان دوباره خودرو به سمتم آمد و سپر آن روی کمرم قرار گرفت اما با جیغ و فریادم راننده دوباره کمی خودرو را عقب کشید. وی بیان کرد: راننده که انگار هنوز از شوک تصادف خارج نشده بود باز خودرو را برای بار دوم بدون کشیدن ترمز دستی رها کرد و دوباره ماشین روی من آوار شد اما خوشبختانه این باره با داد و بیداد من چند رهگذر به کمکم آمدند و خودرو را عقب راندند.

تلنگر

نحوه اقامه دعوی در دیوان عدالت اداری (۴)

رسیدگی ماهوی در دیوان عدالت اداری

علی رغم این که صلاحیت دیوان در خصوص رسیدگی به اعتراض ها و شکایت ها از آرای قطعی مراجع شبه قضایی به صورت شکلی است لذا یا منتهی به تأیید یا نقض و ارجاع به کمیسیون هم عرض مرجع مربوطه می شود، لیکن به موجب قانون سال ۱۳۹۲ پیش بینی شده است: هرگاه شعبه رسیدگی کننده دیوان در مرحله رسیدگی به آرا و تصمیمات مراجع مذکور در بند (۲) ماده (۱۰) این قانون، اشتباه یا نقصی را ملاحظه کند که به اساس رأی لطمه وارد نکند، آن را اصلاح و رأی را ابرام می کند و چنان چه رأی واجد ایراد شکلی یا ماهوی مؤثر باشد، شعبه مکلف است با ذکر همه موارد و تعیین آن ها، پرونده را به مرجع مربوط اعاده کند

معاونت فرهنگی دادگستری
کل خراسان شمالی

زن رنج دیده از چگونگی قربانی شدن فرزندش می گوید

ترکش های ۱۵ ساله یک جنایت

صدیقی

هر وقت یاد جگر گوشه ام که الان زیر خروارها خاک آرمیده می افتم قلبم برای لحظاتی از تپش می افتد. پسرم قربانی اعتیاد و ندانم کاری پدرش شد و خیری از زندگی در این دنیای بی رحم و فانی ندید و برای راه رفتن با پاهای خودش حتی به مدت یک روز آرزو به دل ماند.

زن خسته از کارهای نسنجیده همسرش که با غلتیدن قطره های اشک از گونه هایش همراه می شد تعریف می کند:

از روزی که همسرم در پی رفیق بازی کورکورانه اش در دام اعتیاد افتاد من هم در تنور بی مسئولیتی او گرفتار شدم. با اعتیاد همسرم روز به روز او تندخوتر می شد و با هر کنش و نصیحتی واکنش شدیدی نشان می داد.

زن جوان در ادامه روایت زندگی اش می گوید: ماجرای زندگی غم انگیزم از روزی شروع شد که تنها فرزند پسرم به دنیا آمد و این اتفاق با اعتیاد شدید همسرم گره خورد.

همسرم که به خاطر اعتیادش اعصاب گریه نوزاد مان را نداشت روزی با اعتراض شدیدم به وضعیت زندگی مان ناگهان کنترل خود را از دست داد و با برداشتن نوزاد چند روزه او را به سمت من پرت و نقش بر زمین کرد.

بعد از این حادثه دلخراش همسرم از خانه بیرون رفت و من هم با کمک پدرم کودک نحیفم را به بیمارستان رساندیم اما کار از کار گذشته بود و او برای همیشه به علت قطع نخاع شدن از راه رفتن روی پاهایش محروم شد.

بعد از آن روز زندگی من جهنم شد و هر چند همسرم ابراز پشیمانی و ندامت کرد و خودش را به در و دیوار کوبید اما این کار دردی را دوا نکرد و تنها فرزندمان برای همیشه ویلچر نشین شد. بعد از آن یک چشم من خون و چشم دیگرم اشک شده بود و هر بار با دیدن پسر غم زده مان در گوشه خانه جگرم آتش می گرفت. سختی های زندگی با بزرگ شدن پسرمان بیشتر می شد چرا که حمل و نقل او برایم دشوار بود، از یک طرف باید کارهای بیرون از خانه را انجام می دادم و از طرفی هم نمی توانستم او را با خودم حمل کنم یا این که تنها در خانه رهایش کنم. همسرم هم بعد از مدتی دوباره راه گذشته را در پیش گرفت و مدام سراغ خوشگذرانی خودش می رفت.

> **با رفتن پسرم انگار روح من از بدنم جدا شد و دیگر زندگی با آن مرد را تحمل نکردم، برای همین پا در دادگاه خانواده گذاشتم تا بعد از تحمل این همه رنج و مصیبت از شوهر بی روح و معتادم جدا شوم و به دنبال سرنوشت خودم بروم**

من هم مانده بودم که طلاقم را بگیرم یا این که بسوزم و بسازم که به ناچار به خاطر عدم حمایت خانواده ام راه دوم را انتخاب کردم و سال های درازی را با همسر زورگوی خود گذراندم.

در این ۱۵ سال زندگی مشترکم چه سختی هایی که تحمل نکردم.

این ماجرا ادامه داشت تا این که پسرم بعد از مدت ها دست و پا زدن با خانه نشینی و مریضی اش تسلیم مرگ شد. با رفتن پسرم انگار روح من از بدنم جدا شد و دیگر زندگی با آن مرد را تحمل نکردم، برای همین پا در دادگاه خانواده گذاشتم تا بعد از تحمل این همه رنج و مصیبت از شوهر بی روح و معتادم جدا شوم و به دنبال سرنوشت خودم بروم.

بوی حادثه در معابر گلستان شهر

کوچه ها و خیابان های گلستان شهر بجنورد مدت هاست که پر از سنگ های ریز و درشت شده است و هر آن ممکن است از زیر لاستیک یک خودرو رها و با برخورد با یک عابر سبب بروز حادثه شود. کوچه ها و خیابان های گلستان شهر مدت هاست به دلیل اجرای طرح اگو کنده کاری شده اند و مکان های کنده کاری شده توسط سنگ ریزه به طور موقت پر شده اما مدت هاست که به حال خود رها شده و این موضوع ضمن ایجاد مشکل در عبور و مرور باعث شده است هزاران نفر از اهالی گلستان شهر هنگام عبور از معابر احساس کنند هر لحظه ممکن است دچار حادثه شوند.

یکی از اهالی گلستان شهر با اشاره به پر شدن کوچه ها با سنگ هایی که گاه از یک توپ پینگ پنگ هم درشت تر هستند می گوید: کوچه ها و خیابان های گلستان شهر پر از سنگ شده است و با عبور هر خودرویی که به سرعت از کنارم می گذرد این ترس را دارم که یکی از این سنگ ها به سوی من پرتاب شود.

«براتی» با بیان این که پرتاب شدن این سنگ ها و برخورد آن ها با سر حتی می تواند سبب بروز حادثه ناگواری برای یکی از اهالی گلستان شهر شود می افزاید: ترمیم کنده کاری های صورت گرفته در میان خیابان های گلستان شهر به اندازه ای طولانی شده است که خار در جای کنده کاری ها رشد کرده است. یکی دیگر از اهالی گلستان شهر نیز با بیان این که به جای بولوار و گلکاری در میان خیابان های گلستان شهر خار در میان سنگ زیره ها رشد کرده است می گوید: مردم گلستان شهر دیگر به زشتی شهرک عادت کرده اند اما هر روز که فرزندانم از معابر عبور می کنند نگرانم که مبادا سنگی از زیر لاستیک خودرویی که به سرعت عبور می کند رها شود و بر سر و صورت آن ها فرود بیاید. «طباطبایی»، یکی دیگر از اهالی گلستان شهر نیز اظهار می کند: اهالی گلستان شهر هر روز هنگام تردد در جاده نامناسب به مرکز بجنورد بابت واژگونی احتمالی خودرویشان تهدید می شوند و حتی هنگام پیاده روی در کوچه ها و خیابان های شهرک نیز احساس آرامش ندارند.

وی تصریح می کند: مطابق قراردادها شرکت های پیمانکار باید مجتمع های مسکونی را با کشیدن دیوار محصور کنند اما از این امر بدون هیچ توبیخی از سوی متولیان سر باز زده اند و این موضوع باعث شده است حیوانات و سگ های ولگرد تا ورودی مجتمع ها بیایند.

مسئول روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب خراسان شمالی در این رابطه گفت: پروژه حفاری شبکه فاضلاب گلستان شهر از سال گذشته آغاز شد و هنوز در بخش هایی از گلستان شهر حفاری ادامه دارد. «ربانی» افزود: برای آسفالت مجدد مکان های حفاری شده زمانی برای نشست خاک محل کنده کاری لازم است و در هفته جاری آسفالت قسمت های پایان یافته آغاز شد.

قاب دوربین

واژگونی خودرو در مسیر جاده شهرک فرهنگیان بجنورد